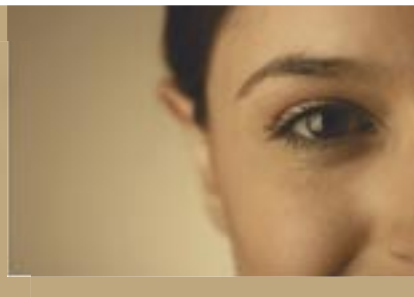


## وضعیت جنبش زنان در کردستان عراق

صدیقه محمدی  
فعال جنبش زنان کرد



که در پارلمان تعداد کرسی‌های بیشتری به کردها اختصاص یابد تا سهم بیشتری از قدرت سیاسی نصیب ملت کرد شود.

حضور ۲۵ درصدی زنان در پارلمان و مصادر قدرت، که یکی از خواست‌های زنان است نیز تا کنون عملی نشده. هر چند بسیاری معتقدند که با در نظر گرفتن تسلط احزاب شیعه در عرصه سیاست، حتی با اجرای این قانون هم، زنانی به مجلس راه می‌یابند که نمی‌توانند مدافع مطالبات آزادی‌خواهانه و رادیکال زنان باشند. حتی زنان کردی که خود به فمینیسم و حقوق زنان بها نمی‌دهند و تنها خواهان سهم احزاب کرد در پارلمان هستند چگونه می‌توانند در صورت برخورداری از سهمیه‌ی ۲۵ درصدی، قوانین را به نفع زنان تغییر دهند.

### آینده‌ی عراق ناروشن است

اکثریت مردم کردستان عراق خواهان حق تعیین سرنوشت خود هستند اما این خواست هنوز از طرف احزاب کردی پذیرفته نشده و بنا به توافقی‌هایی که با نیروهای آمریکایی و دیگر ملیت‌های ساکن عراق شده، در دستور کار قرار ندارد. پرسش‌های بسیاری در رابطه با مسائل زنان در عراق مطرح است. این که آیا احزاب کردی به خواست مردم توجه نشان خواهند داد، آیا تشکل‌های مستقل و رادیکال زنان تشکیل خواهد شد؟ آیا نهاد مشترکی که اکنون میان تشکل‌های زنان کردستان تشکیل شده می‌تواند نیروی زنان را حول مطالبات واقعی شان متشکل کند، سازمان دهد و به تصویب پارلمان کردستان برساند. زمان تنها عامل روشن شدن پاسخ این پرسش‌ها نیست. نقش و دخالت نیروهای چپ و رادیکال و پایان‌یابی حضور نظامی آمریکا و اروپا در این پروسه مهم است.

شهرزاد مجاب که یکی از پژوهشگران مسائل کردستان و ساکن کانادا است در سفر اخیر پژوهشی خود به کردستان عراق در گفتگویی با رادیوی کردی "دهنگی ژنان" ([www.dangijinan.com](http://www.dangijinan.com)) بر این امر تاکید داشت. او از جمله بر نقش نیروهای سازمان یافته‌ی چپ کرد ایرانی در تشویق زنان به سازمان‌یابی و رشد افکار برابری‌خواهانه انگشت گذاشت. او معتقد بود که جریاناتی چون کومهله (سازمان کردستان حزب کمونیست ایران) که در کردستان عراق فعالیت دارد توانسته به یاری رادیو و نشریات کردی خود به ارتقای آگاهی زنان کمک کند. این جریان که در مقایسه با بسیاری سازمان‌های کردستان که به آمریکا و سیاست‌های منطقه‌ایش گرایش پیدا کرده‌اند، مخالف حضور آمریکاست، خواهان تعیین سرنوشت مردم به دست خویش است و از جمله زنان را نیز به این امر تشویق می‌کند.

سبب شده که حتی پس از ۱۴ سال حاکمیت احزاب کردی و کوتاه شدن دست دولت مرکزی هنوز در سطح توده‌ای مطالبات واقعی زنان مطرح نشده و به آگاهی در حد تعدادی زنان روشنفکر محدود مانده است. از جمله این بحث‌ها مسئله‌ی سکولاریسم و جدایی دین از دولت- مینا قرار نگرفتن احکام دینی هنگام نوشتن قانون اساسی جدید- و بسیاری حقوق زنان در سطح روشنفکران مطرح است. از جمله مسائلی که باعث عقب‌گرد در زمینه‌ی حقوق زنان از جمله آزادی پوشش شده را می‌توان ناشی از قدرت‌گیری اکثریت شیعه در عراق، همجواری با ایران اسلامی و بها دادن آمریکا به روحانیت شیعه دانست. پس از هجوم آمریکا به عراق تعداد زنان محجبه چه در شهرهای کردستان و چه در نقاط دیگر عراق به طور چشمگیری در حال افزایش است. اخیراً جعفری، نخست‌وزیر عراق، که نماینده‌ی حزب افراطی شیعی است زنان بی‌حجاب را از شورای حکومتی اخراج کرده است. بدیهی است که دمکراسی نوع آمریکایی که قدرت را به دست احزاب و سران عشایر و جریانات مذهبی می‌دهد و همچنین شرایط پدید آمده که ترور و ناامنی را دامن زده، نمی‌تواند مطالبات زنان عراق را میسر کند. مثلاً هرگاه حزبی به تشکل‌های زنان دستور دهد، ابلاغ کند که برای تظاهرات به خیابان‌ها بیاند، این کار بی‌چون و چرا انجام می‌گیرد. هر چند سطح آگاهی مردم و زنان به خاطر مبارزات چندین ساله در کردستان، در مقایسه با سایر نقاط عرب و ترکمن نشین بالاتر است و مسائل زنان و برابری جنسی در میان مردم تا حدودی طرح شده، اما تشکل‌های موجود زنان آن چنان از پایگاه توده‌ای برخوردار نیستند که بتوانند بنابه ضرورت و تشخیص خود حرکات و اعتراضات زنان را سازمان دهند.

### اول مسئله‌ی کردستان بعد زنان!

سرکوب و کشتار و اختناق که رژیم بعث سال‌ها بر مردم و به ویژه کردها حاکم کرده بود باعث شده که هنوز هم مسئله‌ی کردستان و حقوق ملیت‌ها در اولویت مبارزات کردها قرار دارد و مسئله‌ی زنان کماکان به حاشیه رانده می‌شود. تلاش احزاب این بوده و هست

در مقدمه می‌خواهم اشاره کنم که وجود دیکتاتوری ده‌ها ساله‌ی رژیم بعث و انفال (کشتار دسته‌جمعی هزاران کرد)، صنعتی نبودن کردستان وجود بی‌سوادی در سطح گسترده میان مردان و زنان، بیکاری وسیع به خصوص در میان زنان و عدم استقلال اقتصادی آنان، فقر اقتصادی و به تبع آن فقر فرهنگی، وجود جنبش ملی و سنت پیشمرگ، هزاران خانواده‌ی کرد را ده‌ها سال در کوه‌ها روستاها و خاک ایران آواره کرده بود. تاثیرات این شرایط بر بی‌حقوقی ملی جنسیتی و طبقاتی زمینه‌ساز جنبش زنان در وضعیت کنونی است.

ده‌ها تشکل زنان وابسته به احزاب سیاسی در کردستان عراق ایجاد شده که اولویتشان فعالیت حزبی در میان زنان است. بنا به نظرگاه‌های سیاسی و معیارهای این احزاب، تعدادی از زنان عضو، در صدر کارها قرار دارند و بودجه‌ایی از طرف حزب به کارهایشان اختصاص می‌یابد. این بودجه صرف اجاره‌ی محل، پرداخت حقوق، هزینه‌های جاری زنانی می‌شود که در این مراکز کار یا سکونت دارند. تعدادی از این مراکز از زنان بی‌سرپناه و یا زنانی که در اثر بیماری‌های روانی بی‌سر پناه هستند، و یا زنان و دخترانی که از ترس قتل ناموسی به این مراکز پناه برده‌اند، نگهداری می‌کنند. در واقع این مراکز به ارائه‌ی خدماتی مشغولند که باید توسط دولت و احزاب در قدرت، سازماندهی و ارائه شود. این نوع فعالیت‌های عملی و خدماتی باعث می‌شود که زنان فعال از کارهای اصلی خود یعنی ترویج، آموزش و ارتقای آگاهی در مورد مسائل زنان، حقوق بشر و کودکان بازداشته شوند.

یکی دیگر از موارد کنترل سازمان‌های زنان احزاب، نحوه‌ی مشارکت دادن تشکل‌ها در رابطه با قانون اساسی جدید عراق است. احزاب کرد عراق مبلغ ده هزار دلار به هر ارگان و تشکلی که برای توضیح قانون اساسی و مفاد آن در میان مردم فعالیت کرده و آنان را به شرکت در رای‌گیری تشویق کنند پرداخت کردند. به این وسیله احزاب توانستند مسئله‌ی مورد نظر خود را به اولویت فعالیت تشکل‌های زنان تبدیل کنند.

این کمبودها و شرایط موجود در عراق، در واقع